

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

تهیه کننده : توماج

۱۰/۱۲/۰۱

## وضعیت پناهجویان و پناهندگان ساکن در ترکیه و مروری گذرا بر وضعیت پناهجویان در (مالزی و هندوستان)

گر زخم‌هایمان متفاوت  
طعم اشک‌هایمان یکی‌ست  
من ، تو ، او ، همه در یک قصه  
هر کجا باشیم  
آغاز و انجام یکی‌ست  
جای جای دنیا سنگرم  
آغاز نمودم ، پویان بسوی انجامم  
(توماج)

دیرگاهی‌ست که سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۱ قوانینی در کنوانسیون ژنو به تصویب رسانده است که همانند دیگر قوانین نظام سرمایه‌داری که فقط امضاء می‌شوند، تنها امضاء شده و در هیچ کشوری به‌صورت کامل به آن عمل نمی‌شود.

همه‌گان می‌دانند که در کشورهایمانند پاکستان، افغانستان، ایران و عراق چه شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم است و این موضوع نیاز به توضیح و تحقیقات خاصی ندارد؛ این‌را نیز همه‌گان می‌دانند که کارمندان و یا بهتر است بگوئیم بازجویان سازمان ملل متحد که خود را وکیل پناهجویان معرفی می‌کنند، خود بهتر از هرکس به این موضوع واقف هستند. در مقر سازمان ملل در کشورهایمانند هندوستان، پاکستان، ایران، ترکیه، مالزی، یونان و ... تنها چیزی که به‌چشم نمی‌خورد "حقوق بشر" است. به عبارتی "بشر" بسیار دیده می‌شود اما اثری از "حقوق" آن نیست.

رفتار سرد و خشن پولیس، بی‌مسئولیتی کارمندان و مسئولین سازمان ملل، مشکلات مالی، مشکلات معیشتی، نبود امکانات بهداشتی و درمانی، عدم وجود اجازه کار برای پناجویان و پناهندگان، نداشتن هیچ‌گونه حق برای ارتباطات سیاسی و حتا اجتماعی، بی بندوباری و سرکوب پولیس، باندهای مافیائی در تشکیلات امنیتی و حتا سازمان ملل، وعده و وعیدهای توخالی که تنها در قوانین آمده و در بروشورهای نصب شده بر روی دیوارهای دفاتر سازمان ملل دیده می‌شود و صدها درد و مشکلی که پناجویان و پناهندگان روزانه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند را هیچ‌کس پاسخگو نیست.

اعتراضات به حق انسان‌ها نیز همانند تمام حکومت‌های سرمایه‌داری با سرکوب، زندان و شکنجه و گاه با دیپورت پناجویان پاسخ داده می‌شود.

در ادامه به گوشه‌ای از مشکلات پناهندگان و پناجویان در کشور ترکیه می‌پردازیم و اشارهای کوتاه به دیگر کشورها خواهیم داشت.

### پروسه پناهدنگی

پروسه پناهدنگی برای یک انسان از جانی آغاز می‌شود که کشور مبدا «وطنش» را به‌قصد پناهنده شدن در کشور دیگری ترک می‌کند. ما در این نوشته از پناجویان و پناهندگان ایرانی ساکن در ترکیه صحبت خواهیم کرد و البته به دیگر کشورها نیز اشارهای بسیار کوتاه خواهیم داشت.

وقتی یک نفر ایران را که کشور مبدا است به‌قصد پناهنده شدن ترک می‌کند معمولاً یا مستقیماً به کشور مورد نظرش در اروپا، امریکا یا استرالیا می‌رود و یا به یکی از کشورهای یونان، ترکیه یا مالزیارفته و در آنجا به دفتر سازمان ملل مراجعه کرده و تقاضای پناهدنگی‌اش را با ارائه دلالتش ارائه می‌کند.

زمانی‌که یک انسان از مرز ایران خارج و وارد کشور ترکیه شد، پروسه پناهنده‌گی‌اش شروع می‌شود. ورود به ترکیه دو حالت دارد، افراد یا باید به صورت قانونی به ترکیه بیایند یا به صورت قاچاق از مرزهای کوهستانی مناطق گردنشین.

اگر از راه قانونی وارد شوند باید در اولین فرصت خود را به کمپ پناهندگان سازمان ملل متحد واقع در آنکارا معرفی کنند. اگر به صورت قاچاق وارد شوند باید خود را به اداره پولیس امنیت اولین شهری که پس از ایران به آن وارد شده‌اند معرفی کنند. تا چند سال قبل وضعیت کسانی که قاچاقی وارد خاک ترکیه می‌شدند کمی متفاوت بود اما از سال ۲۰۱۰ این روند کمی تغییر کرد و قوانینی مانند این‌که "کسانی که به صورت قاچاق وارد شده‌اند را به شهری می‌فرستند که بعد از مرز ایران وارد آنجا شده‌اند" و یا "کسانی که قاچاق وارد شده‌اند در اولویت قرار دارند و موضوع قاچاق وارد شدنشان می‌تواند برای اثبات حرف‌هایشان دلیلی باشد" حذف شده و تقریباً کسانی که قاچاق وارد خاک ترکیه می‌شوند و کسانی که قانونی از راه‌های هوایی یا زمینی می‌آیند از یک حقوق برخوردارند.

وقتی انسان‌ها به ترکیه وارد می‌شوند، ترکیه فقط برای آن‌ها خاکی است که باید مدتی را در آنجا بلا تکلیف بمانند تا سازمان ملل به آن‌ها پاسخ بدهد و کشوری برایشان مشخص شود و به کشور سوم منتقل شوند(البته در صورتی‌که بتوانند از سازمان ملل قبولی بگیرند).

ادامه پروسه پناهدنگی در کشور ترکیه بدین صورت است که پس از این‌که برای اولین بار به دفتر سازمان ملل در آنکارا مراجعه کردید، مدت زمان چند ساعتی را باید پشت درب منتظر باشید، حال می‌خواهد در گرمای تابستان باشد یا در برف و کولاک زمستان یا سوز و سرمای پائیز. هیچ فرقی به حال مامورین سازمان ملل ندارد و زن و

کودک، پیر و جوان ساعت‌ها در شرایط آب و هوایی مختلف پشت درب‌های بسته سازمان ملل تنها برای گرفتن یک وقت برای مصاحبه منتظر می‌مانند.

از همان اولین روز شما شاهد چگونگی له شدن حق انسان‌ها توسط کسانی که ادعای حمایت از حقوق بشر را دارند خواهید بود. پس از چند ساعت که مدارکشان را گرفتند دوباره به صف خواهید شد و یک برگه به شما داده می‌شود که در آن تاریخ و ساعت پیش‌مصاحبه را نوشته‌اند. معمولاً تاریخ پیش‌مصاحبه یک هفته الی بیست روز است. در این مدت یا باید کسی را در ترکیه داشته باشید که چند روزی در منزل وی بمانید و یا این‌که با گرانی وحشتناک ترکیه طوری کنار بیاوید و در هتل‌ها و مسافرخانه‌های درجه پائین زندگی کرده و هزینه سه یا چهار ماه زندگی در ترکیه را در عرض این بیست روز خرج کنید. چراکه در این مقطع از پروسه پناهندگی هنوز سازمان ملل برای پناهجویان "شهر" مشخص نکرده و مشخص نیست در کدام شهر ساکن خواهند شد. چه بسیار پناهجویانی که بدون هماهنگی با سازمان ملل با همسر و فرزندانشان به شهرهای دیگر می‌روند، در آنجا منزل اجاره می‌کنند و وسایل زندگی فراهم می‌نمایند ولی بعد از گذشت چند روز وقتی برای پیش‌مصاحبه به سازمان ملل می‌روند آن‌ها را به شهری دیگر می‌فرستند و حتا اگر پناهجو گریه هم بکند و حتا التماس کند و به دست و پایشان بیفتد هم فایده‌ای نخواهد داشت.

پس از این‌که مدت زمانی که برای پیش‌مصاحبه تعیین شده تمام شد، پناهجویان باید به سازمان ملل مراجعه کنند برای ثبت نام و پیش‌مصاحبه. معمولاً ساعت پیش‌مصاحبه در برگه‌ای که در هنگام اولین مراجعه به پناهجویان داده می‌شود ساعت هشت صبح ذکر شده. پناهجویان از ساعت هفت و نیم و گاه زودتر جلوی درب سازمان ملل حضور می‌یابند؛ باز هم مانند بار گذشته باید تا حدود ساعت ده صبح منتظر بمانند. زن و بچه و پیر و جوان و سالم و بیمار را در هرگونه شرایط مختلف آب و هوایی باز هم به صف می‌کنند. جلوی درب سازمان ملل یک سایه‌بان هست و دو نیمکت برای نشستن کسانی که خارج از آن محدوده بمانند یا باید زیر آفتاب باشند یا زیر برف و باران خیس شوند. بعد از این‌که درب باز شد، به نوبت پناهجویان وارد می‌شوند، یکی‌یکی از درب کوچکی وارد محل بازرسی بدنی می‌شوند و از جیب‌ها تا کیف‌ها بازرسی می‌گردد. سیگار، کیف و تمام وسایل از قبیل موبایل و ... را از آن‌ها می‌گیرند و در یک کمد قرار می‌دهند و در واقع به پناهجویان فقط چند برگ کاغذ داده می‌شود که مرتبط با پرونده‌شان باشد. از این لحظه به بعد درب سازمان ملل بسته می‌شود، با پناهجویان معامله زندان، زندانی و زندانبان می‌شود و تا زمانی که مامورین سازمان ملل اجازه ندهند کسی حق خروج ندارد و معمولاً کسانی که ساعت یازده کارشان تمام شده و کسانی که ساعت پنج بعدازظهر کارشان به اتمام رسیده باشد در یک زمان و حدود ساعت شش بعد از ظهر وقتی درب باز می‌شود می‌توانند بروند و تمام این مدت را باید داخل یک اتاق بمانند. در ابتدای روز پیش‌مصاحبه به پناهجویان یک برگ کاغذ می‌دهند که باید دلیل خروج از کشور مبدا را مختصراً در چند خط توضیح دهند و بنویسند که اگر به کشورشان بازگردند چه خطری ممکن است تهدیدشان کند. سپس این کاغذها را جمع‌آوری می‌کنند و باید پناهجو منتظر باشد تا از طبقه بالا صدایش بزنند.

پناهجویان وقتی به طبقه بالا می‌روند با رفتاری خوب از آن‌ها مشخصاتشان پرسیده می‌شود و سپس دلیل آمدن و علت تقاضای پناهنده‌گی‌شان را می‌پرسند و فردی که سؤال می‌کند این مشخصات و گفته‌ها را تایپ کرده و فقط دو سه سؤال مبنی بر "علت آمدن‌تان به ترکیه"، "اگر بازگردید چه خطری تهدیدتان می‌کند" را پرسیده و سؤال اضافی از پناهجو پرسیده نمی‌شود و طوری وانمود می‌کنند که آن‌ها فقط به مشکلات شما گوش می‌دهند و قصد کمک و هم‌دردی با انسان‌ها را دارند! سپس پناهجو به طبقه پائین می‌رود و منتظر می‌شود تا برگه‌ای به وی داده شود که در

آن تاریخی برای مصاحبه اصلی وی ذکر گردیده و برگه‌ای دیگر که شهر سکونتش را در آن ذکر کرده‌اند. تاریخ بین پیش‌مصاحبه تا مصاحبه اصلی از یک‌ماه تا یک‌سال متغیر است. این موضوع قانون خاصی ندارد و مشخص نیست که طبق چه اصل یا اصولی این تاریخ مشخص می‌گردد. البته در دفترچه‌ای که به‌شما داده می‌شود نوشته شده پروسه پناهندگی ممکن است از سه ماه تا سه سال به‌طول بینجامد اما چه بسیار کسانی که تا پانزده سال در ترکیه بلا تکلیف مانده‌اند!

پس از اتمام پیش‌مصاحبه پناهجویان برای اسکان و تهیه منزل و آغاز یک زندگی موقت و سرشار از مشکلات متعدد باید به شهرهای بروند که سازمان ملل با هماهنگی پولیس امنیت ترکیه آنان را می‌فرستد. در این هنگام پناهجو نامه‌ای پس از پیش‌مصاحبه دریافت کرده که روی آن شماره پرونده و عکس وی نیز موجود است و با آن نامه باید خود را به پولیس ترکیه معرفی کند. پناهجویان پس از انجام مراحل قانونی که شامل ثبت‌نام در پولیس اتباع خارجی، انگشت‌نگاری، پرداخت هزینه اقامت (پول خاک) و هزینه ویزا است و ... که توسط پولیس برای آنان شرح داده می‌شود باید زندگی‌شان را در آن شهر آغاز کرده و منتظر رسیدن روز مصاحبه اصلی باشند. در روز مصاحبه اصلی نیز پناهجویان باید در محلی که قبلاً توضیح داده شد بایستند و منتظر بمانند تا بعد از به صف ایستادن و بازرسی بدنی وارد سازمان ملل شوند.

سپس باید منتظر بمانند طبق شماره سری که به آنها داده شده به طبقه بالا رفته و با حضور یک نفر که خود را وکیل‌شان معرفی می‌کند و با یک اسم مستعار خود را معرفی می‌کند مصاحبه‌شان آغاز گردد. اولین نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کنم این است که آن فردی که خود را وکیل پناهجو معرفی می‌کند در همان ابتداء اولین دروغ آش را تحویل پناهجو می‌دهد، چرا که اولاً وی وکیل پناهجو نیست بلکه وکیل سازمان ملل است، مسئول پرونده پناهجوست و نقش پولیس سیاسی را برای پناهجو ایفاء کرده و بعد از بازجویی از پناهجو، گزارش و نظرش را به سازمان ملل ارائه می‌کند تا پرونده به کمیته تصمیم‌گیری رفته و در مورد پرونده پناهجو تصمیمات لازم اتخاذ گردد. در ابتداء مصاحبه یا بهتر است نوشت بازجویی با برخوردی خوب از سوی مصاحبه‌کننده آغاز می‌گردد و این قول نیز به‌شما داده می‌شود که تمام حرف‌هایی که شما در اینجا بیان می‌کنید به‌طور محرمانه نزد ما باقی خواهد ماند. سپس اسم و مشخصات شما را چک کرده و از شما می‌پرسند چرا ایران [و یا هر کشوری که باشد] را ترک کردید و تقاضای پناهندگی دادید که بازجویی اصلی از این مرحله شروع می‌گردد. سپس وقتی مصاحبه‌کننده با شما مصاحبه می‌کند تمام حرکات صورت و دست‌هایتان را زیر نظر دارد و گه‌گاه سوالاتی می‌پرسد که باعث شوکه شدن شما شود. بعضی اوقات از شما سوالاتی پرسیده می‌شود یا چیزهایی به‌شما می‌گوید که شما را عصبانی کند و به‌طور کلی در شرایط مختلف روحی شما را قرار می‌دهد تا عکس‌العمل شما را در مقابل شرایط مختلف ببیند. مصاحبه اصلی پناهجویان ممکن است از یک ساعت تا هشت ساعت طول بکشد و این بستگی به نوع پرونده و کیس ارائه شده دارد و در برخی موارد حتی مصاحبه اصلی به جلسات بعدی نیز کشیده می‌شود.

پناهجو باید مصاحبه‌کننده را یک بازجوی وزارت اطلاعات "بدون شکنجه‌ی جسمی" در نظر بگیرد و بهتر است خیلی مواظب گفته‌هایش در هنگام مصاحبه باشد. چرا که وکیل از هر جمله‌ی شما ممکن است چندین سؤال بیرون بکشد. در کل مصاحبه‌کننده از ابتدای مصاحبه به پناهجو به چشم یک دروغگو نگاه می‌کند تا زمانی که پناهجو اثبات کند که گفته‌هایش صحت کامل دارد. بهتر این است که خیلی کوتاه و فقط به سوالاتی پاسخ داده شود که پرسیده می‌شود و هرگونه توضیح اضافی و انحرافی می‌تواند باعث طرح سوالاتی سخت‌تر و انحرافی‌تر توسط وکیل شود و به مشکل برخورد کنید. پس از اتمام مصاحبه اصلی پناهجویان باز تا تعطیلی سازمان ملل و اتمام وقت اداری در

پشت درهای بسته باید منتظر بمانند.

باز پناهجو باید به شهر محل سکونتش بازگردد و این بار منتظر اعلام نتیجه از سوی سازمان ملل متحد باشد ولی این بار دیگر تاریخی مشخص وجود ندارد و این مرحله خیلی به مراتب سخت تر از انتظار برای رسیدن روز مصاحبه اصلی می باشد.

وقتی نتیجه از سوی سازمان ملل به پناهجو اعلام شد، باید پناهجو دوباره به آنکارا برود تا اول این که جواب رد شدن یا قبولی اش را به طور کتبی دریافت کند و در صورتی که قبول شده باشد می تواند در مصاحبه کشوری هم حضور یابد تا کشورهای پیشنهادی اش را به سازمان ملل اعلام نماید. هر چند که این چندان تأثیری در تعیین کشور سوم ندارد و سازمان ملل است که تصمیم می گیرد پناهجو باید به کدام کشور منتقل گردد.

پس از مدتی که باز هم مشخص نیست چقدر به طول بینجامد در سایت سازمان ملل و در بخشی که نتیجه پرونده اعلام می گردد نام سفارت کشوری که پرونده شما به آنجا فرستاده شده درج می گردد و پس از مدتی نیز طی یک تلفن به شما اعلام می گردد که در یک تاریخ مشخص جهت مصاحبه با سفارت کشور مربوطه به آنجا بروید. پس از مصاحبه کشوری طبق گفته سازمان ملل دو الی هشت ماه طول می کشد تا پناهجو به کشور سوم منتقل شود ولی هستند کسانی که بعد از مصاحبه کشوری تا سه سال هم در ترکیه بلا تکلیف مانده اند تا به کشور سوم منتقل شوند. حال اگر پناهجویی رد شد و جواب استیناف گرفت یا باید به کشورش بازگردد و یا این که به نتیجه اعتراض نماید که می تواند با مراجعه به سازمان ملل و ارائه درخواست اعتراض به "نتیجه اعلام شده" به سازمان ملل اقدامات لازم را انجام دهد که در این صورت نیز عموماً حداقل شش ماه طول می کشد تا پرونده دوباره به جریان بیفتد. درست است که اصولاً باید مراحل پناهندگی در کشورهای مختلف یکی باشد اما شواهد چیز دیگری را بیان می کند.

### مروری به وضعیت پناهندگی در هندوستان و مالزی

در کشور هندوستان که سازمان ملل و پولیس به طور کامل در دست مافیای قدرت مند می باشد برای پناهندگان شرایطی بس اسفبارتر از ترکیه وجود دارد. در این کشور چیزی به نام پروسه پناهندگی به طور مشخص و معین وجود ندارد. شرایطی بسیار سخت از نظر مادی و معنوی گریبان گیر پناهجویان می باشد. بیکاری و نبود کار، باندهای مافیائی، زورگیری، رشوه، گرسنگی و فقر بیداد می کند. به طور کلی طبق آمار در سال گذشته بیش از پانصد ایرانی به دفتر سازمان ملل در هندوستان مراجعه کرده و تقاضای پناهندگی نموده اند، کشور هندوستان از جمله کشورهای است که کنوانسیون حقوقی پناهجویان را امضاء نکرده و برنامه خاص و مشخصی برای پناهجویان ندارد. البته پناهجویان بنگلادشی بیشترین آمار را در میان پناهجویان ساکن در هندوستان دارند و مشکل دولت هندوستان اکثراً با آن هاست. اما همان طور که گفته شد دولت هندوستان هیچ تعهدی در قبال پناهجویان ندارد و هر لحظه ممکن است آنان را به کشور هایشان بازگرداند. اصولاً در کشور هندوستان پروسه پناهندگی حداقل یک سال و نیم به طول می انجامد.

### اما اشاره ای هم به مالزی:

کشور مالزی نیز شرایطی مشابه هندوستان دارد. این کشور نیز کنوانسیون حقوق پناهندگان را امضاء نکرده است و هیچ گونه تعهد و برنامه خاصی برای پناهجویان ندارد. پناهجویان در شرایط سختی که در مالزی حاکم است باید صبر کنند تا سازمان ملل آنان را به عنوان پناهنده بپذیرد و به کشور سوم منتقل کند. در این کشور نیز قانون خاصی برای پروسه پناهندگی وجود ندارد و تاریخ پیش مصاحبه به تازگی برای هفت ماه بعد از مراجعه اولی صادر

می‌شود. پولیس با پناهجویان به صورت عام من جمله ایرانی رفتار بسیار بد و وحشیانه‌ای دارد. آنان را بدون علت دست‌گیر، شکنجه، زندانی و یا دیپورت می‌کنند. سازمان ملل نیز در این بین هیچ کاری انجام نمی‌دهد. حتا رفتار ماموران سازمان ملل نیز با پناهجویان خوب نیست. به ایرانیان به چشم افرادی خائن نگاه می‌کنند که از یک کشور بسیار خوب به آن‌جا پناه آورده‌اند و از زیر سایه حکومتی الهی فرار کرده‌اند. چه بسیار دیده شده که پناهجویان ایرانی را در خیابان به بهانه‌های متعدد دست‌گیر می‌کنند و بعد از شکنجه آنان را به باندهای مافیائی مواد مخدر وصل می‌کنند.

وضعیت پناهجویان مالزی را با گفته‌ی معاون وزیر امور خارجه این کشور به‌پایان می‌برم چراکه با خواندن سخنان ایشان نیازی به توضیح بیشتر در این‌باره نخواهد ماند. چندی پیش "کهیلان پیلاي" وزیر امور خارجه مالزی در مجلس آنکشور گفت:

"مالزی قانون خاصی برای پناهندگان و پناهجویان ندارد. مسائل مرتبط با پناهندگان تحت قانون مهاجرت بررسی می‌شود که در آن پناهندگان به عنوان مهاجران غیرقانونی محسوب می‌شوند!!!"

### باز هم ترکیه

در زیر اشاره‌ای به مشکلات زندگی، امنیت، رفتار پولیس، ثبت‌نام در اداره پولیس و موارد دیگر خواهیم داشت. عمده‌ترین مشکل پناهجویان ساکن در ترکیه مسأله مادی است. پناهجویان در کشور ترکیه اجازه کار ندارند. برخی کار سیاه می‌کنند ولی اگر توسط پولیس دست‌گیر شوند با جرائم سنگینی روبرو خواهند شد. البته کار سیاه هم درآمد چندان ندارد. اصولاً کار سیاه برای پناهجویان و پناهندگان با ترجیح کارفرما به‌منظور استثمار بیشتر و دست‌مزد کمتر صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در شهر بازی کسی که مسؤل یکی از وسایل بازی مانند چرخ و فلک است باید حدود ۱۶ ساعت کار کند تا بیست لیر (معادل ۱۰ یورو) مزد بگیرد. یعنی انسان طوری استثمار می‌شود که نه برای خود، بلکه تنها برای افزودن به سرمایه سرمایه‌داران - که در چهره کارفرما یا پیمان‌کار است - زندگی می‌کند چراکه یا در حال کار است یا خواب برای بازتولید نیروی کار از دست رفته.

هنگام مراجعه به پولیس برای ثبت‌نام، پولیس از پناهجویان چیزی حدود پانصد دلار بابت هزینه شش ماه اقامت، پول دفترچه اقامت و هزینه ویزا می‌گیرد و سپس به پناهجویان دفترچه اقامت می‌دهد. پس از آن نیز پناهجویان هر شش ماه یکبار حدود ۲۲۰ دلار باید برای هر نفر هزینه اقامت بپردازند. هزینه‌های درمانی، اجاره مسکن، هزینه گاز و برق در ترکیه برای یک پناهجو که حق کار کردن و در نتیجه درآمدی ندارد بسیار بالاست. برای ارزان‌ترین خانه‌های قابل سکونت حدود سیصد لیر اجاره باید پرداخت. سیصد لیر هم پول پیش می‌گیرند و سیصد لیر هم بنگاه می‌گیرد. یک ورق قُرس مُسکن حدود ده هزار تومان است و هزینه‌ی درمان یک سرماخوردگی حدود صد دلار. در زمستان دست کم باید حدود صدوچهل هزار تومان و گه‌گاه تا دویست هزار تومان هزینه گاز پرداخت شود و .... این‌ها نمونه‌ای بود از مشکلات مادی در ترکیه برای پناهجویان.

در این میان به‌غیر از فرمانداری هیچ نهادی به پناهجویان کمک مادی نمی‌کند. البته فرمانداری هم پولی نمی‌دهد که بتوان با آن حتا قبض‌های آب و برق و گاز را پرداخت کرد. فرمانداری در هر شهر پس از این‌که پناهجو پول خاک را پرداخت کرد به وی بعد از این‌که مامورانش به منزل پناهجو آمده و مطمئن شدند که پناهجو به کمک مالی نیاز دارد هر دو ماه یکبار دویست لیر (صد یورو) کمک می‌کند که در ماه‌های اخیر این مدت به سه ماه افزایش یافته است. هر سه ماه یکبار دویست لیر به معنای ماهیانه هفتاد لیر است که تقریباً فقط با آن می‌توان هزینه قبض برق

را پرداخت نمود. البته این مبلغ برای خانواده و افراد مجرد فرقی ندارد. یعنی به یک خانواده پنج نفره نیز همین مبلغ تعلق می‌گیرد و به یک فرد مجرد که تنها زندگی می‌کند نیز همین مبلغ! دیگر هیچ نهادی به پناهمجویان هیچ‌گونه کمکی نمی‌کند و عمدتاً بزرگترین مشکلی که پناهمجویان با آن مواجه هستند مسائل مادی و معیشتی است.

می‌دانیم که ترکیه کشوری است که از توریزم درآمد خوبی دارد. این‌طور که مشخص است حکومت ترکیه از پناهمجویان به‌عنوان توریست بهره می‌برد. به عبارتی پناهمجویان به ترکیه می‌آیند، به‌صورت پیش‌پرداخت هر شش ماه یکبار هزینه اقامت (پول خاک) پرداخت می‌کنند، مجبورند از خارج از ترکیه پول به ترکیه سرازیر کنند و در این کشور با توجه به این‌که اجازه کار نیز ندارند گذران زندگی کنند.

اصولاً سازمان ملل باید به پناهمجویانی که قبولی گرفته‌اند و به عنوان پناهنده شناخته می‌شوند کمک مالی کند. اما متأسفانه این موضوع نیز در ترکیه به صورت فرمالیته است. بدین‌صورت که بعد از گرفتن برگه قبولی از سازمان ملل پناهندگانی که درخواست کمک مالی می‌کنند، برای مصاحبه‌ای تحت عنوان مصاحبه مالی وقت می‌گیرند. وقتی برای این موضوع به سازمان ملل مراجعه کردند سوالاتی مشخص از آن‌ها پرسیده می‌شود که نیازی به پرسیدن ندارد چرا که کارمندان سازمان ملل از هرکس بهتر می‌دانند در ترکیه چه می‌گذرد و برای گذران زندگی ساده یک پناهنده چقدر هزینه لازم است. سپس یک فرم پُر می‌شود و اصولاً طبق آمار از بین هر یکصد نفر تنها به یک نفر کمک مالی از سوی سازمان ملل صورت می‌گیرد و آن کمک نیز جواب‌گوی تنها گوشه‌ای از احتیاجات وی می‌شود.

اما مسأله پولیس! همه‌گان می‌دانند که اکثر افرادی که در اداره پولیس در سراسر جهان استخدام می‌شوند اولاً از فیلتزهای حکومتی عبور می‌کنند، دوم این‌که افرادی هستند که به‌علت نبود کار و یا فقر و اجبار در اداره پولیس درخواست استخدام می‌کنند. موضوع اصلی اما این است که "پولیس در سراسر دنیا برای سرکوب مردم تربیت می‌شود" و آموزش‌های گوناگونی در این زمینه می‌بیند. حال پولیس ترکیه که سال‌هاست زیر نظر سیستمی آموزش می‌بیند که در دنیا جزء ارتجاعی‌ترین سیستم‌های حکومتی است. متأسفانه پولیس ترکیه یکی از سرکوب‌گرترین پولیس‌های دنیاست. بارها اخباری مبنی بر ضرب و شتم، دست‌گیری، شکنجه، درخواست رشوه و حتا اخیراً کشتار و دفن دسته جمعی حدود چهل پناهمجو را شنیده‌ایم. این خود مدرکی است علیه حقوق بشر و دمکراسی که حکومت ترکیه از آن دم می‌زند.

در شهرهای مرزی مانند "وان" رفتار پولیس به مراتب خشن‌تر از شهرهای دیگر است. البته پولیس استانبول هم از این موضوع مبرا نیست و رفتار وحشیانه‌ای با پناهمجویان دارد. البته این‌را نیز باید اضافه کرد که در اکثر موارد کسانی مورد سرکوب و بدرفتاری پولیس ترکیه قرار می‌گیرند که بعد از خروج از کشورشان نیز همواره در مقابل حق و حقوق انسانی‌شان مبارزه می‌کنند و از له شدن ابتدائی‌ترین حقوق انسانی‌شان به سادگی نگذشته و آن‌را طلب می‌کنند. در کشور ترکیه رفتار پولیس با نیروهای مترقی و مخصوصاً فعالین سیاسی چپ بسیار مغرضانه است. این افراد همواره تحت تعقیب و کنترل نیروهای پولیس سیاسی و اطلاعاتی ترکیه هستند و همیشه خطر آن‌ها را تهدید می‌کند. پولیس ترکیه با توجه به فعالیت‌های احزاب چپ ترکیه به نیروهای چپ و مترقی و انقلابی ایران نیز حساسیت خاصی دارد. به عبارتی دیگر اگر یک فعال سیاسی چپ در ایران فقط از طرف جمهوری اسلامی خطر جانی تهدیدش کند، در ترکیه هم از طرف جمهوری اسلامی ممکن است جانش تهدید شود و هم از طرف اطلاعات و یا پولیس ترکیه.

ترکیه کشوری است که پولیس نمی‌تواند برای شهروندان خودش امنیت ایجاد کند و مشکل امنیت امروزه یکی از

معضلات مردم ترکیه است. پناهجویان را نیز در این کشور خطرات فراوانی تهدید می‌کند. کشور ترکیه با جمهوری اسلامی قرارداد امنیتی امضاء کرده و اگر بخواهد می‌تواند پناهجویان سیاسی را به ایران دبیورث کند. البته حکومت ترکیه و پولیس همواره از این موضوع برای منت گذاشتن بر پناهجویان ایرانی استفاده می‌کند و به آن‌ها می‌گوید "ما به شما لطف می‌کنیم" یا "ما حقوق بشر و دموکراسی را رعایت می‌کنیم که شما را دبیورث نمی‌کنیم" اما موضوع چیز دیگری است. حکومت ترکیه با یک سیاست هم از توبره می‌خورد و هم از آخور! علت این موضوع این است که اگر چنانچه ترکیه پناهندگان را دبیورث کند از آن طرف برای پیوستنش به اتحادیه اروپا به مشکل برخورد می‌کند و مورد انتقاد غرب قرار می‌گیرد. البته این همانند که حکومت‌های غرب نیز رفتار چندانی خوبی با پناهجویان و مهاجران ندارند و این را همه‌گان می‌دانند که در اروپا و امریکا بر پناهجویان و مهاجران چه می‌گذرد. در طول تاریخ کشور ترکیه همواره این کشور برای پناهجویان کشوری ناامن بوده است. نیروهای اطلاعاتی رژیم همیشه در ترکیه حضور داشته‌اند و در این اواخر نیز با توجه به متزلزل شدن وضعیت سیاسی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی حضورشان بیشتر شده. تهدیدهای تلفنی، ایمیلی و حتا حضوری غیر مستقیم و مستقیم، ضرب و جرح پناهجویان سیاسی، مرگ‌های مشکوک و ... از جمله مشکلات امنیتی است که در ترکیه وجود داشته و دارد. به عنوان مثال می‌توانیم به مرگ مشکوک "قاسم‌علی‌رادپور" در شهر "آفیون" در آذرماه [قوس] ۱۳۸۸، مورد ضرب و شتم قرار گرفتن مریم صابری در شهر قیصریه (کایسری) و مورد اصابت ضربات متعدد چاقو قرار گرفتن "امید گل‌باز" در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۸۹ اشاره کرد. البته این تنها گوشه‌ای از ده‌ها موردی بود که در ترکیه صورت گرفته و می‌گیرد. در این بین نه سازمان ملل و نه پولیس ترکیه هیچ‌گونه اقدامی انجام نمی‌دهد. حتا اگر پناهجویی با در دست داشتن مدارکی که اثبات کند جانش در خطر است به پولیس ترکیه و یا سازمان ملل مراجعه کند هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد برای حفظ جان وی.

### حال این‌که چه می‌توان کرد یا بهتر است بگوئیم "چه باید کرد" ؟

تنها کاری که پناهجویان ساکن در ترکیه می‌توانند بکنند ایستادن در مقابل ظلم و ستمی است که بر آن‌ها روا می‌شود از راه‌های قانونی. همواره نیروهای مبارز و مترقی باید از قوانین حکومت‌های سرمایه‌داری به نفع خود و مبارزه‌شان به ضد این حکومت‌ها استفاده کنند و تا سرحد ممکن با سلاح سرمایه‌داران ضرباتی به آن‌ها بزنند. مشکلات پناهجویان را باید منعکس کرده و تا جایی که می‌توانیم افشاءگری کنیم. و اما مهم‌ترین مسؤلیت بر عهده هموطنان ساکن در کشورهای امن اروپائی و امریکا و کانادا است. این هموطنان باید با استفاده از اطلاعاتی که پناهجویان ساکن در ترکیه به آن‌ها می‌رسانند و افشاءگری‌هایی که صورت می‌گیرد توسط نامه‌های اعتراضی، تجمعات معترضان و برگزاری میتینگ‌ها و جلسات دست به دست یکدیگر داده و نهادهای حقوق بشر را در سراسر دنیا مجبور به رسیدگی به وضعیت پناهجویی در کشور ترکیه بکنند. به امید روزی که که دیگر کسی مجبور نباشد کشورش را برای نجات جان ترک کند، به امید روزی که دنیا وطنمان باشد.